

عنوان مقاله:

تحلیل جامعه شناختی جزاهای بدیل حبس در حقوق کیفری افغانستان

محل انتشار:

فصلنامه غالب، دوره 13، شماره 2 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

حسین شریفی زیرکسار - دانش گاه / پوهنتون بین المللی اهل بیت (ع)

امید رستمی غازانی - دانش گاه / پوهنتون بین المللی اهل بیت (ع)

خلاصه مقاله:

مجازات حبس از جمله واکنش های کیفری اند، که جهت استقرار نظم اجتماعی و تامین عدالت، اعمال می شوند. جزاهای بدیل حبس، در اثر بروز نظریه های جرم شناختی انتقادی در قرن نوزدهم و نظریه های حبس زدایی، مطرح گردید. قانون گذار افغانستان به تبعیت از نظریه های مکتب های الغاگری، جنبش های حبس زدایی و اسناد بین المللی، جزاهای بدیل حبس را در سال ۱۳۹۶ به عنوان مجازات اصلی تعیین نموده است. جدید بودن جزای بدیل حبس به عنوان مجازات اصلی در کد جزا و چه گونه گی تطابق آن با فرهنگ حاکم، ضرورت ایجاب می کند در این خصوص تحقیقی صورت گیرد. هدف این تحقیق بررسی جزاهای بدیل حبس، کارکرد آن در اصلاح بزه کار و چه گونه گی پذیرش آن به عنوان یک پدیده اجتماعی در جامعه افغانستان بوده است. پرسش این بوده است، که کارکرد جزاهای بدیل حبس از منظر جامعه شناختی چه گونه است؟ بازخورد جزاهای بدیل حبس در اصلاح و بازپروری مجرمان چیست؟ تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از ابزار کتاب خانه بی برای جمع آوری داده ها، در حقوق جزای افغانستان صورت گرفته است. یافته های تحقیق آن است که: قانون گذار، جزاهای بدیل حبس را برای اولین بار به شکل مدرن آن به عنوان مجازات اصلی، تعیین نموده است. تا آن جایی که جزاهای بدیل حبس در جامعه تطبیق شده است، با توجه به مجازات حبس، در قسمت اصلاح و بازپروری مجرم نقش موثرتری داشته است. تبدیل نمودن جزای حبس به جزای بدیل در هنگام کیفردهی، بیان گر انعطاف پذیری قانون گذار در خصوص بزه کاران به منظور فراهم سازی زمینه اصلاح آنان است. هرچند عدم نظارت دقیق از اجرای آن، عدم وسایل و ابزار لازم در نظارت الکترونیکی و عدم فرهنگ سازی در بین قضات به تعیین کیفرهای بدیل حبس، از جمله مشکلاتی است، که در اجرای آن قرار دارند. مجازات حبس از جمله واکنش های کیفری اند، که جهت استقرار نظم اجتماعی و تامین عدالت، اعمال می شوند. جزاهای بدیل حبس، در اثر بروز نظریه های جرم شناختی انتقادی در قرن نوزدهم و نظریه های حبس زدایی، مطرح گردید. قانون گذار افغانستان به تبعیت از نظریه های مکتب های الغاگری، جنبش های حبس زدایی و اسناد بین المللی، جزاهای بدیل حبس را در سال ۱۳۹۶ به عنوان مجازات اصلی تعیین نموده است. جدید بودن جزای بدیل حبس به عنوان مجازات اصلی در کد جزا و چه گونه گی تطابق آن با فرهنگ حاکم، ضرورت ایجاب می کند در این خصوص تحقیقی صورت گیرد. هدف این تحقیق بررسی جزاهای بدیل حبس، کارکرد آن در اصلاح بزه کار و چه گونه گی پذیرش آن به عنوان یک پدیده اجتماعی در جامعه افغانستان بوده است. پرسش این بوده است، که کارکرد جزاهای بدیل حبس از منظر جامعه شناختی چه گونه است؟ بازخورد جزاهای بدیل حبس در اصلاح و بازپروری مجرمان چیست؟ تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از ابزار کتاب خانه بی برای جمع آوری داده ها، در حقوق جزای افغانستان صورت گرفته است. یافته های تحقیق آن است که: قانون گذار، جزاهای بدیل حبس را برای اولین بار به شکل مدرن آن به عنوان مجازات اصلی، تعیین نموده است. تا آن جایی که جزاهای بدیل حبس در جامعه تطبیق شده ...

کلمات کلیدی:

جزا، حبس، بدیل حبس، حقوق کیفری افغانستان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2079043>

